

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

در بررسی فرمایش مرحوم آقای حکیم و مرحوم آقای خوئی در کیفیت تعامل با این روایات ثلاث نکاتی را بیان کردیم. یک روایت صحیحی زواره که دلالت بر این داشت که اگر کسی قصد سفر کرد و بعد نماز را قصرأ خواند امام (علیه السلام) فرمود نمازش درست است و نیاز به اعاده‌ی در وقت یا قضای در خارج وقت ندارد. اما در مقابل دو روایت صحیحی ابی ولاد و خبر سلیمان بن حفص مروزی دلالت بر لزوم اعاده داشت.

تکمیل بحث گذشته (خبر سلیمان بن حفص مروزی)

راجع به سلیمان بن حفص مروزی چند نکته بیان کنیم. مرحوم شیخ در رجال، سلیمان بن حفص مروزی را از اصحاب امام رضا (علیه السلام) می‌داند.^[1] صدوق در عیون می‌گوید «لقي سليمان بن حفص موسى بن جعفر و الرضا ع جميعا»^[2]. در 31 مورد اسناد روایات سلیمان بن حفص داریم. گاهی می‌گوید عن ابی الحسن به صورت مطلق؛ گاهی می‌گوید عن ابی الحسن موسی بن جعفر؛ گاهی می‌گوید عن ابی الحسن الرضا (علیه السلام)؛ گاهی می‌گوید عن ابی الحسن العسکری؛ گاهی می‌گوید عن الرجل العسکری؛ گاهی می‌گوید عن ابی الحسن الاخير یعنی ابی الحسن ثالث که امام هادی (علیه السلام) است؛ گاهی می‌گوید عن الفقيه مثل روایتی که الآن محل بحث ماست؛ و گاهی می‌گوید عن الفقيه العسکری.

نام سلیمان بن حفص در بعضی از کتب رجالی اسمی از او نیامده و لذا برخی از فقها این روایت را به عنوان اینکه راوی مجهول است رد کردند. ولی در بعضی از کتب وی را از اصحاب امام کاظم، امام هشتم، امام نهم، امام دهم ذکر کرده‌اند. اما نیاوردند که از امام حسن عسکری نقل روایت کند. وقتی می‌گوید عن الفقيه العسکری مرادش امام هادی است. عن الرجل العسکری مرادش امام هادی است. خیلی بعید است که اگر کسی امام کاظم را درک کرده باشد امام عسکری را هم درک کند.

در این روایت دارد عن الفقيه. دیروز به نقل از آقای بروجردی عرض کردیم که مراد امام هشتم است. به نوشته‌ها مراجعه کردم دیدم صاحب مدارک می‌گوید مراد امام کاظم است. در ذهنم می‌آید در مجمع الفایده هم گفته مراد امام کاظم است یکی دو نفر دیگر هم پیدا کردند از فقهای بزرگ که اینها می‌گویند مراد امام کاظم (علیه السلام) است. شهید در روض الجنان که شرح ارشاد الانهان است می‌گوید «قال الفقيه و عنی به الکاظم علیه السلام»^[3]. مجلسی در روضة المتقین در روایتی دیگر می‌گوید «قال الفقيه العسکری علیه السلام و هو الهادی» که ربطی به این روایت ندارد^[4]. یعنی هر جا سلیمان بن حفص مروزی می‌خواهد از امام هادی تعبیر کند می‌گوید فقيه العسکری. اما وقتی لفظ فقیه را نمی‌آورد مراد یا امام کاظم است یا امام هشتم است.

در کتاب نقد الرجال تفرشی خاتمه‌ای دارد که فوایدی در آن ذکر شده. آنجا می‌گوید «کل ما ورد عن ابی ابراهیم عن العبد

الصالح أو عبد صالح، أو عن الفقيه فهو الكاظم عليه السلام» بعد می‌گوید «و قد يطلق الفقيه و يراد منه» حضرت حجت (عج). می‌گوید چند روایت در این مورد داریم. البته «قد يطلق الفقيه و يراد منه العسكري» دارد ولی این هم اشتباه است فقیه العسکری داریم، فقیه العسکری مراد امام دهم (علیه السلام) است.

این نکته‌ای راجع به سلیمان که قرار شد مراجعه کنیم. لذا نمی‌شود گفت این روایت از امام هادی (علیه السلام) است. عن الفقيه یا امام کاظم (علیه السلام) است یا به قرینه‌ای که این روایت مربوط به خراسان است و فرسخ خراسانی در آن مطرح شده شاید مرحوم آقای بروجرودی هم روی این قرینه گفته مراد امام هشتم (علیه السلام) است.

ادامه بحث (صحیحی ابی ولاد)

مرحوم خوئی فرمودند ما باشیم و صحیح زراره دلالت بر این دارد که مجرد قصد ثمانیه در تحقق و در جواز قصر کافیهست ولو ثمانیه در عالم خارج محقق نشود. منتها آقای خوئی فرمود صحیح زراره با صحیح ابی ولاد تعارض می‌کند.

صحیح ابی ولاد این بود کسی قصد می‌کند از دریا 20 فرسخ برود تا قصر هبیره برسد و شب به جایی می‌رسد و برایش تغییر رأی حاصل می‌شود و می‌خواهد برگردد. امام (علیه السلام) فرمود «إِنْ كُنْتَ سَرْتَ فِي يَوْمِكَ الَّذِي خَرَجْتَ فِيهِ - بَرِيداً كَانَ عَلَيْكَ حِينَ رَجَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَ بِالتَّقْصِيرِ». نمازش را قصر بخواند. روایت ابی ولاد تعلیل دارد «كُنْتَ مُسَافِراً إِلَى أَنْ تَصِيرَ إِلَى مَنْزِلِكَ». یعنی إلى أن ترجع إلى منزله چهار فرسخ آمدی مسافری. «وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَسِرْ فِي يَوْمِكَ الَّذِي خَرَجْتَ فِيهِ بَرِيداً» اگر به اندازه چهار فرسخ نشده «فَإِنَّ عَلَيْكَ أَنْ تَقْضِيَ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَّيْتَهَا فِي يَوْمِكَ» این روایت را در سال‌های گذشته وقتی می‌خواستیم بگوییم در هشت فرسخ فرق نمی‌کند، با شتر بروید یا اسب یا گاو بروید مطرح کردیم. گفتیم این با قایق می‌رود و آن هم زمان‌های قدیم که قایق موتوری نبوده و حرکتش از شتر کمتر و کندتر بوده. اینها دلیل می‌شود بر اینکه به هر نحوی می‌خواهد برود. اگر امروز کسی از تهران به مکه با یکی دو ساعت می‌رود بحث مسیره یوم مطرح نیست.

امام فرمود اگر رفتنت چهار فرسخ و برگشتنت چهار فرسخ شده نمازت قصر است. اگر این مقداری که رفتی به اندازه برید نیست «فَإِنَّ عَلَيْكَ أَنْ تَقْضِيَ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَّيْتَهَا فِي يَوْمِكَ ذَلِكَ بِالتَّقْصِيرِ بِتَمَامٍ» نمازهای قصری که خواندی باید اعاده کنی. «مِنْ قَبْلِ تَوُّمٍ يَا أَنْ تَرِيمَ مِنْ مَكَانِكَ ذَلِكَ». مرحوم محقق اصفهانی می‌گوید این قسمت دلالت می‌کند قضاءش وجوب فوری دارد. در مقام تعلیل می‌فرماید «لأنك لم تبلغ الموضع الذي يجوز فيه التقصير» برای اینکه به چهار فرسخ نرسیدی «حتى رجعت فوجب عليك قضاء ما قصرت و عليك إذ أرجعت أن تتم الصلاة حتى تصير إلى منزلك» وقتی هم برگردی باید نمازت را تمام بخوانی^[5].

حمل روایت بر استحباب و رد آن

صحیح ابی ولاد دلالت روشن بر اعاده نماز دارد. علت تاکید بخاطر این است که برخی از فقها گفتند جمع بین الروایتین به این است که صحیح زراره را بگوییم نص در عدم اعاده و صحیح ابی ولاد ظهور در اعاده دارد. بیاایم نص را قرینه برای تصرف در ظاهر بگیریم و در ظاهر تصرف و حمل بر استحباب کنیم.

جوابش این است که اگر یک بار فرموده بود عليك الاعاده می‌گفتیم يستحب الاعاده. اما اولاً چند بار امام فرموده و عليك ظهور در وجوب دارد لذا نمی‌شود حمل بر استحباب کرد. بله اگر یک بار بگوید تَمَّت صَلَاتُهُ و لا يعيد و این بگوید عليك الاعاده می‌شود آن را حمل بر استحباب کرد. اما اگر در یک روایتی چند بار این تعبیر بیاید، یعنی امام چند بار فرموده که باید قضا کنی. ثانیاً در صحیح ابی ولاد تعلیل آمده و در روایاتی که تعلیل می‌آید مجال حمل ظاهر بر نص نیست. این تعلیل از نص در عدم اعاده اقواست.

اگر کسی خبر سلیمان بن حفص را قبول نکرد باید آنرا کنار بگذارد ولی روایت ظهور در این دارد که باید قضا و اعاده کند. گفتیم از عبارت مرحوم آقای حکیم استفاده می‌شود که صحیحی ابی ولاد و خبر سلیمان بن حفص مروزی تقریباً مورد اعراض اصحاب است. اگر بگوییم این دو روایت را کنار می‌گذاریم چون اصحاب اعراض از این دو روایت کردند، ما می‌مانیم و روایت صحیح زراره و طبق روایت صحیح زراره باید فتوا داد.

نکته‌ای که وجود دارد و مقرر مرحوم آقای بروجردی، مرحوم آقای منتظری (قدس سره) در حاشیه آن این تحقیق را کرده و من دنبال کردم دیدم فرمایش ایشان تمام است. ایشان می‌فرماید این مسئله اصلاً در نزد قدما معنون نبوده و در نزد متأخرین مطرح شده. اینکه بگوییم این مسئله در نزد قدما معنون بوده و قدما از آن اعراض کردند از آن صحیحی ابی ولاد و روایت سلیمان نیست. می‌فرمایند تنها کسی که بر طبق این روایت فتوا داده مرحوم شیخ در کتاب استبصار و تهذیب است.

من مقداری تتبع کردم دیدم از زمان مرحوم علامه شروع شده است. علامه این فرع را در ارشاد آورده. «و لو خرج إلى الخفاء و صلى تقصيراً ثم رجع عن السفر لم يعد» می‌فرماید اگر عبور کرد و نمازش را قصر خواند نباید اعاده کند. مرحوم اردبیلی دلیلش را آورده و می‌گوید دلیل بر عدم وجوب اعاده یکی قاعده اجزاء است - معلوم می‌شود از مبانی مرحوم اردبیلی در مجمع الفایده و البرهان این است که جزء قائلین به اجزاء است. چون در روایات هم داریم اذا خفی الاذان فقصر، این هم خفای اذان شده قصد سفر هم داشته و نمازش را قصر خوانده حالا رجع عن السفر، دلیل بر اعاده نداریم، قاعده اجزا می‌آید. دلیل دوم همین روایت صحیح زراره است که ایشان تمسک می‌کند. می‌گوییم روایت سلیمان بن حفص چیست؟ می‌گوید اولاً راوی اش مجهول است ثانیاً ایشان صحت و صراحتش مثل روایت زراره نیست. بعد هم یک اشکال دیگری می‌کند که این اشکال را دیگران جواب دادند می‌گوید در روایت حفص آمده که اگر آدم چهار فرسخ رفت همین مقدار کافی است در قصر، که گفتیم این مراد فرسخ خراسانی است.^[6]

صاحب مجمع الفایده می‌گوید و روایت سلیمان را کنار می‌گذاریم ولی مشکل این است که متعرض روایت صحیحی ابی ولاد نشده. عرض کردیم روایت سلیمان بن حفص به هر جهتی را کنار می‌گذاریم با صحیحی ابی ولاد چکار کنیم؟ در کتاب صاحب المدارک می‌بینیم «و لو كان قد صلى قصرًا قبل الرجوع أو التردد فالأظهر أنه لا يعيد مطلقاً». صاحب مدارک هم فتوایش مثل صاحب مجمع الفایده و علامه است.^[7] بعد می‌گوید «و قال الشيخ في الإستبصار: يعيد مع بقاء الوقت». شیخ طوسی روایت ابی ولاد را حمل بر داخل وقت کرده. «و استدل بما رواه عن سليمان بن حفص المروزي... وهي ضعيفة بجهالة الراوي و لو صحت». صاحب مدارک می‌گوید اگر روایت سلیمان درست باشد باید حمل بر استحباب کنیم.^[8] سبزواری در ذخیره ظاهراً همین فتوا را داده.

آنچه می‌خواستم عرض کنم در تأیید فرمایش مقرر صاحب البدر الزاهر همین است که مسئله در کلمات قدما عنوان نشده. روایت بوده منتها نیامدند از روایت این مسئله را به دست بیاورند. فقط شیخ در تهذیب و در استبصار بر طبق این روایت‌ها فتوا داده اما مرحوم شیخ در نهاییه طبق روایت زراره فتوا داده می‌گوید اعاده نکند. فرمایش آقای حکیم که بگوییم دو روایت صحیحی ابی ولاد، خبر مروزی، معرض عنهما است درست نیست. چون در کلمات قدما معنون نبوده.

اینجا دو راه وجود دارد؛ آیا می‌توانیم بین اینها جمع کنیم؟ بعضی در صدد جمع برآمدند. مرحوم سید نظرش این است «ما صلاة قصرًا قبل العدول عن قصده لا يجب إعادته في الوقت فضلاً عن قضائه خارجه»^[9]. فتوای سید در صورتی است که روایت زراره را دلیل قرار بدهیم.

محشین عروه مانند مرحوم آقای خوئی (قدس سره) می‌فرماید «فيه إشكال و الاحتياط لا يترك»^[10]. یعنی باید احتیاطاً اعاده کند و

در خارج وقت هم قضا کند. در بحث استدلالی شان تقریباً فتوا به لزوم الاعاده می‌دهد و می‌گوید روایت زراره با صحیحہ ابی ولاد تعارض می‌کنند ما می‌مانیم و موثقہی عمار، موثقہ عمار دلالت بر لزوم اعاده دارد. اما در حاشیہ عروہ احتیاط وجوبی کردند. مرحوم آقای حائری مؤسس حوزه می‌فرماید «لا یترو الاحتیاط بالإعادة أو القضاء»^[11].

مرحوم امام و والد ما (رضوان الله تعالی علیهما) حاشیہ‌ای بر فرمایش مرحوم سید ندارند و فرمایش سید را پذیرفتند. پس مسئلہ بین متأخر المتأخرین یعنی معاصرین محل اختلاف و نزاع است.

آنچه که در آن تأمل کنید برای فردا این است که آیا راه جمع بین این روایات وجود دارد یا نه؟ به صلاة مرحوم حائری مراجعه کنید ایشان یک راه جمعی را ذکر کردند. آن راه جمع را مرحوم محقق اصفهانی در صلاة مسافرش می‌گوید فی غایة البعده ببینیم اگر در درجہ اول بتوانیم جمع کنیم باید جمع کنیم اما اگر نشد جمع کنیم می‌گوییم تعارضاً تساقطاً باید برویم سراغ موثقہ عمار، آن را هم دلالتش را تمام ندانستیم.

و صلی الله علی محمد و آلہ الطاهرين

[1] رجال الطوسي ص : 358.

[2] عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص: 280.

[3] روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان (ط - الحديث)، ج 2، ص: 1055.

[4] روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص: 646.

[5] صلاة المسافر (للسيد الأصفهاني)، ص: 51.

[6] مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، ج 3، ص: 417: دليل عدم وجوب اعاده ما صلاة قصرًا حينئذ: انه صلى صلاة مأمورًا بها، و الأمر مفيد للاجزاء على ما تحقق في الأصول، مع الظهور. و لرواية زرارہ...

[7] مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ج 4، ص: 440: و لو كان قد صلى قصرًا قبل الرجوع أو التردد فالأظهر أنه لا يعيد مطلقًا.

[8] مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ج 4، ص: 440: و قال الشيخ في الإستبصار: يعيد مع بقاء الوقت. و استدل بما رواه عن سليمان بن حفص المروزي، عن الكاظم عليه السلام أنه قال: «و إن كان قد قصر ثم رجع عن نيته أعاد الصلاة» و هي ضعيفة بجهالة الراوي، و لو صحت لوجب حملها على الاستحباب جمعاً بين الأدلة.

[9] العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج 2، ص: 120: ما صلاة قصرًا قبل العدول عن قصده لا يجب إعادته في الوقت فضلاً عن قضائه خارجه

[10] العروة الوثقى (المحشى)، ج 3، ص: 432: فيه إشكال و الاحتياط لا يترك و كذا الحال بالإضافة إلى القضاء في خارج الوقت. (الخوئي).

[11] العروة الوثقى (المحشى)، ج 3، ص: 432: لا يترك الاحتياط بالإعادة أو القضاء. (الحائري).